

زنگبار تحت نفوذ انگلستان

۲

اصلاحات در زنگبار

وقتی دولت انگلیس اداره امور زنگبار را به عهده گرفت وضع اداری زنگبار بسیار بد بود و ادارات دولتی وظائف خود را خوب انجام نمی دادند خیابان های شهر بسیار کثیف و در بعضی نقاط غیر قابل عبور بود . وضع بندر برای کشتی هایی که وارد می شدند خطرناک بود . حکام ایالات و نواحی بعلت قلت حقوق مجبور بودند رشوه بگیرند . اداره دارائی از همه ادارات خرابتر بود زیرا حساب و کتاب نداشت و بودجه برای مملکت تنظیم نمی کرد و قسمت عمده درآمد به جیب کسانی می رفت که کار نمی کردند و استحقاق دریافت حقوق نداشتند . بنابراین اصلاحات می بایست از اداره دارائی شروع شود و سرکنسول انگلیس با سلطان قرار گذاشت که سلطان تعداد کارمندان کشوری خود را بدقت تعیین کند و درآمد آن به خزانه دولت تحت نظر یک مأمور انگلیسی ریخته شود تا به مصارف لازم برسد . برای ازدیاد درآمد بندر زنگبار بندر آزاد اعلام گردید تا بتواند با دارالسلام رقابت کند . علت اینکه دارالسلام بندر آزاد بود این بود که سلطان مجید علاقه بان شهر داشت و قصد داشت در صورتیکه اوضاع زنگبار سخت شود به دارالسلام پناه بیاورد سرکنسول انگلیس دست به اقدامات و اصلاحات دیگری زد که اجرای بعضی از آنها مستلزم وقت بود و چندین سال طول می کشید و دستگاه قضائی را تا حدی اصلاح کرد . بندر را تحت نظارت قرارداد و مقررات جدیدی برای استفاده از بندر صادر نمود و اقدامات شهرداری از قبیل جمع آوری خاکروبه و تمیز کردن شهر با جدیت انجام گرفت .

اصلاحات تازه شروع شده بود که سلطان سیدعلی فوت کرد و مسئله انتخاب جانشین او به میان آمد . دولت انگلیس از امتیازی که انعقاد عهدنامه تحت حمایتی زنگبار با آنها می داد استفاده کرد . در عهدنامه ذکر شده بود که سلطان می تواند جانشین خود را با موافقت دولت انگلیس تعیین نماید . پس از فوت سیدعلی انگلیس ها به حامدین ثویین یعنی فرزند برادر بزرگ سیدعلی و امام عمان اطلاع دادند که او را برای سلطنت زنگبار حمایت خواهند کرد بشرط آنکه در مسئله الغای برده فروشی و اداره امور زنگبار با مشورت سرکنسول انگلیس حکومت کند و همچنین می بایست وفاداری خود را نسبت به ملکه انگلستان

اعلام نماید و تقلیل در بودجه و مصارف شخصی سلطان را بپذیرد . و کنترل خزانه و اداره دارائی تحت نظر مامور انگلیسی باقی بماند . سید حامد این شرایط را پذیرفت زیرا می دانست که با قدرت امپراطوری انگلیس پاری مخالفت ندارد .
عدم رضایت اعراب

پس از جلوس به تخت سلطنت سید حامد متوجه شد که اختیارات او بسیار محدود است و همه امور تحت نظر انگلیسها اداره می شود و از این جهت ناراضی بود رعایای عرب او و کسانی که دور او گرفته بودند این عدم رضایت را تقویت می کردند و با سیاست دولت انگلیس در مورد برده فروشی مخالف بودند زیرا می دانستند که با الغای برده فروشی پول و ثروت و مقام آنها از بین خواهد رفت . سید علی تحت فشار انگلیسها فرمان الغای برده فروشی را امضا کرده بود و اگر حکومت انگلیس در زنگبار ادامه می یافت وضع اطرافیان سلطان خراب میشد بخصوص که بعلت تقلیل بودجه دربار از حقوق و مزایای اغلب آنها کاسته شده بود .

مسئله پرداخت غرامت به کمپانی انگلیس

در ۱۸۹۵ عدم رضایت سلطان حامد بطور قابل ملاحظه ای شدت یافت . چنانکه گفته شد یک سال قبل کمپانی انگلیسی افریقای شرقی عملیات خود را در اوگاندا خاتمه داد و آن کشور تحت الحمایه انگلیس قرار گرفت و مقرر گردید ناحیه کنیا نیز کنی و تحت الحمایه انگلیس قرار گیرد . کمپانی مزبور برای اقداماتی که در آبادی این نواحی کرده بود ادعای غرامت کرد . دولت انگلیس برخلاف نظر ژنرال ماتئوز سرکنسول انگلیس پیشنهاد کرده که سلطان مبلغ ۲۰۰ هزار لیره از وجوهی که آلمانها باو داده بودند به کمپانی بپردازد زیرا کمپانی مزبور مقادیری در نواحی ساحلی برای عمران و آبادی خرج کرده بود . سلطان و سرکنسول انگلیس طبعاً تصور می کردند که با پرداخت این مبلغ نواحی ساحلی تحت اختیار سلطان قرار خواهد گرفت ولی دولت انگلیس به این امر راضی نشد و قرار شد فقط همان اجاره که کمپانی می داد به سلطان تعلق گیرد و نواحی ساحلی جزو کشور کنیا تحت نظر انگلیس اداره شود .

در خود انگلیس بعلت وجود مسئله برده فروشی این رفتار انگلیس مورد تعرض و انتقاد مردم واقع نشد زیرا زنگبار در آنموقع از طرف طرفداران الغای برده فروشی مورد انتقاد بود و بعضی پیشنهاد می کردند که آن جزیره مستملکات انگلیس قرار گیرد . دولت نیز می ترسید که پس از خاتمه برده فروشی و از بین رفتن درآمد آن مجبور شود به زنگبار کمک مالی بنماید . در ضمن از نظر اداره آنها نواحی ساحلی با سایر نقاط تحت

الحمايه آسانتر نبود . اغتشاش در نقاط ساحلي

انتقال اداره نواحی ساحلی از کنترل کمپانی به دولت انگلیس باعث اغتشاش گردید و علت آن تا حدی عدم رضایت مردم و تا حدی جدیت هیئت‌های مذهبی برای اشاعه مذهب مسیح بود که مردم با آن مخالف بودند .

شورش مزبور باسانی و بزودی رفع گردید ولی فوت سلطان در ۱۸۹۶ بحران جدیدی ایجاد کرد . مسن‌ترین فرد خانواده سلطنتی سید حمور عموزاده سلطان حامد بود که انگلیس‌ها از او طرفداری می‌کردند ولی سیدخالد پسر سلطان برغش ادعا کرد که سلطنت باو میرسد و خود را به قصر سلطنتی رسانید و اعلام کرد که سلطان زنگبار او است . دولت انگلیس پس از اخطار شدید بوسیله کشتی‌های خود دست به بمباران قصر و جزیره کرد . آلمان‌ها خالد را نجات داده و او را به دارالسلام بردند و انگلیس‌ها سیدحمور را به سلطنت زنگبار انتخاب کردند . در ۱۹۰۲ پسرش سیدعلی ابن حمور به سلطنت رسید ولی بعلت ضعف مزاج در سال ۱۹۱۱ از سلطنت استعفا داد و برادرش سیدخلیفه جای او را گرفت که مدت ۵۰ سال سلطنت کرد و پسرش سلطان جمشید پس از اندک مدتی بوسیله سه انقلابیون در اوائل سال ۱۹۶۲ از سلطنت خلع و زنگبار مستقل و جمهوری اعلام گردید .

پیشرفت اقتصادی

از مهمترین وقایع دوره سلطنت سیدحمور پایان دادن به وضع قانونی برده فروشی بود که در سال ۱۸۹۷ صورت گرفت . این اقدام در نتیجه اجرای عاقلانه مقررات بوضع اقتصادی زنگبار صدمه‌نمزد . زنگبار در آن زمان مانند زمان حاضر منگی به دو محصول عمده یعنی میخک و نارگیل بود . برای مثال در ۱۹۴۷ مجموع صادرات این دو محصول تقریباً بیست میلیون لیره انگلیس رسید . در زمان سلطنت سید حمور اداره کشاورزی کوشش کرد محصولات جدیدی که مناسب با آب و هوای جزیره باشد در زنگبار رواج دهد و در اثر آزمایش نشان داده شد که محصولاتی مانند قهوه و چای و کاکائو و *cinamon* و *nutmeg* در جزیره بعمل می‌آید و درآمد سرشار دارد ولی اهالی زنگبار بخصوص نسل قدیم و اعراب حاضر نبودند از کشت دو محصولی که برای آنها منبع درآمد بود دست بردارند . و بهترین امید در تعلیم و تربیت نسل جوان در ۱۹۰۷ اداره آموزش تاسیس گردید و در شهر زنگبار و قصبات عمده مدارس ابتدایی تاسیس گردید . معهد از زنگباری‌ها از اقدام به کشت محصول تازه خودداری کردند تا جنگ بین‌المللی دوم آنها را بیدار کرد و به لزوم بسط کشاورزی و تهیه همه گونه آذوقه پی بردند .

در زمان سلطنت سیدعلی به ساختن و توسعه جاده‌ها پرداخته شد و تا سال ۱۹۱۲ میل جاده خوب ساخته شد و اولین دستگاه تلگراف تاسیس گردید و شهر زنگبار را با سایر شهرهای عمده مربوط ساخت و همچنین دستگاههای تلفن در جزیره زنگبار و پمبا دائر گردید .

در قسمت بهداشت اقدامات مجدانه بعمل آمد . نظافت شهر مورد توجه قرار گرفت و برای جلوگیری از توسعه بیماری مالاریا اقداماتی میشد و هزارها موش که موجب بروز بیماری وبا میشد از بین برده شد و برای تهیه شیر سالم و جلوگیری از مرض سل نیز اقداماتی بعمل آمد و بطور کلی وضع بهداشتی جزیره بهبودی حاصل کرد .

در قسمت نظامی تغییرات عمده در آغاز سلطنت سیدحمور بعمل آمد . بجای محکمه کنسولی انگلیس یک قاضی و معاون او از طرف پادشاه انگلیس تعیین گردید که دادگاه زنگبار را تشکیل می داد و تحت نظر این دادگاه محاکم فرعی دائر گردید . در این محاکم قوانین مدنی و جزائی هندوستان اجرا میشد . این تشکیلات شامل حال همه نیشدزیرا رعایای عرب و افریقایی سلطان در محاکم مخصوص خود سلطان محاکمه می شدند و این ترتیب برقرار بود تا سال ۱۸۹۹ که یک سلسله محاکم بومی دائر گردید و در سال ۱۹۰۸ برای محاکم سلطان نیز قضاات انگلیسی معین شد .

انتقال به وزارت مستعمرات

در ۱۹۱۳ تغییر عمده دیگری در دستگاه اداری زنگبار حاصل شد و ادارامور زنگبار از وزارت خارجه انگلیس به وزارت مستعمرات منتقل گردید . در ضمن یک شورای تحت الحمایگی تشکیل شد تا سلطان بتواند سهم بیشتری در امور مملکتی بعهده بگیرد . مقام سرکنسولی و نخست وزیری توام گردید و بیک شخص واگذار شد که بنام نماینده مقیم انگلیس تحت نظر فرماندار افریقای شرقی انگلیس انجام وظیفه می نمود .

با اینکه انتقال امور زنگبار به وزارت مستعمرات اقدام علاقلانه بود و کارها با سرعت بیشتری انجام میشد پس از چند سال تجربه معلوم شد که این ترتیب هم کاملاً رضایت بخش نیست از جمله ارجاع امور زنگبار به کمیسر عالی انگلیس که تحت عنوان فرماندار کل افریقای شرقی در شهر نایروبی سکونت داشت باعث تاخیر و بطی جریان کارها میشد . بنابراین پست کمیسر عالی در سال ۱۹۲۵ حذف گردید و در ضمن شورای تحت الحمایگی که کار مهمی صورت نمی داد منحل شد و بجای آن شورای قانون گذاری تشکیل شده که متشکل بود از نمایندگان که با مشورت موسسات غیررسمی انتخاب می شدند . قبل از اینکه این تغییرات صورت گیرد می بایست رضایت سلطان جلب شود زیرا قدرت او که بصورت صدور قوانین انجام می گرفت محدود میشد . از آنجایی که سلطان مایل بود رعایای او سهم

زیادتری در کار حکومت داشته باشند با این تغییرات موافقت کرد در ضمن یک هیئت کوچک اجرائی معین شد تا در قسمت تهیه لوایح برای تقدیم به شورای قانون گذاری به سلطان کمک کند .

برای اینکه زنگبار بتواند به مرحله حکومت خود مختاری در قالب دستگاه ممالک مشترک المنافع بریتانیا برسد تغییرات جدید دیگری در سال ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ صورت گرفت و بدین ترتیب برعهده نمایندگان غیررسمی شورای قانون گذاری افزوده شد و شورای اجرائی بزرگتر گردید . قدم بعد این بود که شش نفر از ۱۲ نفر نمایندگان شورای قانون گذاری از طرف مردم انتخاب شوند و دو حزب یکی بنام حزب ملیون و دیگری بنام حزب افروشیرازی تشکیل شد و حزب افروشیرازی در انتخابات ۵ کرسی از شش کرسی را بدست آورده و مبارزه انتخاباتی و رقابت بین دو حزب شدت یافت .

در عین حال وقایعی که در کشورهای مجاور صورت می گرفت در زنگبار بی تاثیر نبود و در ۱۹۶۰ سرهیلاری بلد *Sir Hilary Blood* از طرف دولت انگلیس مامور شد که وضع حکومتی زنگبار را مورد مطالعه قرار داده و گزارشی تهیه کند . وی پیشنهاد کرد که قبل از آنکه حکومت مشروطه کامل برقرار گردد باید اختیارات وزرا افزوده شود و در این مدت نماینده مقیم انگلیس حق داشته باشد در صورت بروز حوادث از قدرت قانونی خود استفاده کند . بلاد پیشنهاد کرد که کلیه نمایندگان شورای قانونگذاری از طرف مردم مستقیماً انتخاب شوند و فقط ۵ کرسی به نمایندگان مخصوص دولت برای تقویت شورا تخصیص داده شود . رئیس شورا از طرف خود نمایندگان انتخاب شود و نماینده مقیم انگلیس ریاست شورای اجرائیه یعنی کابینه را بعهده بگیرد . در لایحه که این تغییرات را بموقع اجرا می گذاشت مقرر گردید که پست نخست وزیر و چهار وزیر بوجود آید که بسا موافقت نماینده انگلیس از بین نمایندگان مجلس تعیین شوند . بدین ترتیب حکومت زنگبار بصورت مشروطه درآمد . کشور زنگبار به سه ناحیه تقسیم شد که عبارت باشند از جزیره همبا - زنگبار شهری و زنگبار روستائی و برای هر ناحیه حاکمی تعیین شد و هر حوزه حکومت به بخشهایی بنام مدیریه و شبخیه تقسیم گردید . در شهرهای عمده انجمن شهرداری تشکیل گردید .